

# معیارهای ارزیابی اخبار تاریخی در «سیره الحسین فی الحدیث و التاریخ»

۱۰۵-۱۱۵

روح الله شهیدی  
استادیار پردیس فارابی دانشگاه تهران

## The Criteria of Assessing the Historical News in *Sirat al-Hossein fi al-Hadith va al-Tārikh*

By:Roohullah Shahidi

**Abstract:** In this article ,the author takes a look at Ja'far Morteza's criteria in evaluating the documents related to Imam Hussein (s) AS (Sira by relying on the narrations of Ashura. Regarding this ,he has first made an overview of *Sirat al-Hossein fi al-Hadith va al-Tārikh* ,and presents the titles of the six sections of the book along with its included chapters and its volumes in the form of a table. Following this ,he describes some of the most important criticism criteria and evaluation of historical hadiths and scriptures in the book ,such as the authenticity of the document ,the validity of the source of the hadiths, and so on.

**Key words :** Evaluation criteria, historical news ,*Sirat al-Hossein fi al-Hadith va al-Tārikh* ,Ja'far Morteza ameli ,Imam Hossein (s) Sira ,hadiths, assessing hadith ,historical documents, history ,theological beliefs ,authenticity of the document ,the narratives of Ashura.

## معیارهای ارزیابی اخبار تاریخی در «سیره الحسین فی الحدیث و التاریخ»

الخلاصة: يلقي الكاتب في هذا المقال نظرةً خاطفة على ملاكات السيد جعفر مرتضى العاملي في تقييمه لمستندات سيرة الإمام الحسين عليه السلام انطلاقاً من روايات عاشوراء.

وفي سياق هذا الهدف يبدأ بلمحة عن كتاب سيرة الحسين في الحديث والتاريخ، مشيراً فيها إلى أقسام الكتاب الستة مع جدولٍ يتضمّن تفاصيل أبوابه الداخلية ومجلداته.

ثمّ يشير إلى أهمّ معايير نقد وتقييم الأحاديث والنصوص التاريخية في الكتاب المذكور من قبيل اعتبار السند واعتبار مصدر الرواية ومنبعها وغير ذلك.

المفردات الأساسية: معايير التقييم، الأخبار التاريخية، كتاب سيرة الحسين في الحديث والتاريخ، جعفر مرتضى العاملي، سيرة الإمام الحسين عليه السلام، الأحاديث، تقييم الأحاديث، المستندات التاريخية، التاريخ، العقائد الكلامية، اعتبار السند، تقييم الرواية، روايات عاشوراء.

**چکیده:** نویسنده در نوشتار حاضر نیم‌نگاهی به ملاک‌های جعفر مرتضی در ارزیابی مستندات مربوط به سیره امام حسین (ع) با تکیه بر روایات عاشورایی دارد. وی در راستای این هدف، نخست گذری بر کتاب سیره الحسین فی الحدیث و التاریخ داشته و عناوین قسمت‌های شش‌گانه کتاب را همراه با ابواب درونی و مجلدات آن در قالب جدول ارائه می‌کند. در ادامه، برخی از مهم‌ترین ملاک‌های نقد و ارزیابی احادیث و نصوص تاریخی را در کتاب مذکور از قبیل اعتبار سندی و اعتبار منبع و مأخذ روایت و... شرح می‌دهد.

**کلیدواژه‌ها:** معیارهای ارزیابی، اخبار تاریخی، کتاب سیره الحسین فی الحدیث و التاریخ، جعفر مرتضی عاملی، سیره امام حسین (ع)، احادیث، ارزیابی حدیث، مستندات تاریخی، تاریخ، باورهای کلامی، اعتبار سندی، ارزیابی روایت، روایات عاشورایی.



و گذشته را به رنج توان یافت،  
به گشتن گرد جهان و رنج بر خویشان نهادن  
واحوال و اخبار بازجستن  
یا کتب معتمد را به مطالعه کردن  
و اخبار درست را از آن، معلوم خویش گردانیدن ... (بیهقی)

### درآمد

اگر بخواهیم روش مرحوم علامه سید جعفر مرتضی عاملی در کتاب سیره الحسین فی الحدیث و التاریخ را به اختصار ترسیم کنیم، سخن بیهقی بهترین ترجمان آن است. او تاریخ حسینی را به رنج یافته بود؛ رنج تتبع و گشت و گذار در کتب و نصوص تاریخی و محک زدن یکان یکان مستندات. در این میانه درد جانکاه بیماری نیز این رنج را دو چندان کرده بود. توصیفات از این دست هر چند مفید است، نمی تواند راه را برای پژوهش هایی دقیق تر در آینده هموار کند. چه اگر تحقیقات جعفر مرتضی به مطالعه دقیق گرفته نشود، معیار نقدهای بیرونی و درونی او نسبت به اخبار و حدود کاربرد آن به دقت تبیین نگردد و کفایت ها و کمبودهایش نگریسته نشود، ترسیم الگوی اندیشگانی او در تحلیل اخبار تاریخی و تمییز صحیح از سقیم و در نتیجه شناخت یکی از برجستگان حوزه تاریخ نگاری اسلامی ناشدنی است. سیاه مشق پیش روی نیم نگاهی است به ملاک های علامه جعفر مرتضی در ارزیابی مستندات مربوط به سیره امام حسین (ع) با تکیه بر روایات عاشورایی.

### گذری بر کتاب «سیره الحسین فی الحدیث و التاریخ»

سید جعفر مرتضی عاملی در ۱۲ رمضان ۱۴۳۴ هجری قمری نگارش این کتاب را آغاز کرده است. چنان که او خود می گوید، با آنکه دوستانش نگارش کتابی درباره امام حسین (ع) را پیشنهاد می دادند، او جرئت دست زدن به چنین تألیفی را در خویش نمی دیده و از اندیشه ورود بدین کار دشوار و تودرتو، ترس بر او مستولی می گشته است. تا آنکه دو یا سه ماه پیش از شروع نگارش کتاب، برخی از دوستان مورد اعتماد او به صورت مجزا و به گونه ای که احتمال تبانی آنان با یکدیگر وجود نداشته، خواب هایی در ارتباط با او دیده اند که موضوع تمامی آنها امام حسین (ع) و اشارتی به شروع نگارش کتابی درباره ایشان بوده است. همه این رؤیاها در مدتی کوتاه و از سوی افرادی بوده که یکدیگر را نمی شناختند و نویسنده خود برخی از آنها را بسیار اندک ملاقات کرده یا یک یا دو بار بیشتر ندیده بود. جعفر مرتضی می گوید: «احساس کردم باید نگارش سیره امام حسین را آغاز کرده، این اشارات را پاسخ گویم». او تأکید می کند که رؤیا حجّت و به لحاظ شرعی عملاً الزام نیست. با این حال به باور او گاه خواب می تواند انگیزه ای درونی، سبب هدایت، ابزار هشدار یا وسیله بیداری وجدان و برون شد از غفلت باشد و چشم عقل را

به اموری درست و یقینی بگشاید. هر چند که نمی توان وجود خواب های پریشان و دور از حقیقت را نیز منکر شد. عاملی بر آن است که اگر هم در تعبیر این خواب ها بر خطا رفته باشد، این به معنای ناصواب و بی اثر بودن تألیف کتاب سیره امام حسین (ع) نیست.<sup>۱</sup>

او در خلال نگارش جلد نخست و بخشی از جلد دوم کتاب به بیماری سرطان خویش پی می برد و نگارش ۹ جلد نخست کتاب را طی مراحل بسیار سخت و طاقت سوز شیمی درمانی به پایان می رساند. به هر روی کار نگارش بیست و دو جلد کتاب دو سال و چهار ماه به طول می انجامد و در سال ۱۴۳۷ هجری قمری به پایان می رسد.

جعفر مرتضی در شش بخش به سیره امام حسین (ع) پرداخته است. بخش نخست دوران نبوی، بخش دوم دوران خلفای سه گانه، بخش سوم دوران امام علی و امام حسن (ع)، بخش چهارم از آغاز امامت امام حسین تا روز عاشورا، بخش پنجم حوادث روز عاشورا تا شهادت امام حسین (ع) و بخش ششم اسیری اهل بیت و حوادث بعد از عاشورا. مجموع این شش دوره در ۲۲ جلد آمده است. عناوین قسمت های شش گانه کتاب، همراه ابواب درونی و مجلدات آن در جدول زیر آمده است:

جلد اول و دوم	الباب الأول: ولادة الإمام الحسين	القسم الاول: الإمام الحسين فی عهد الرسول
	الباب الثاني: المولود فی الأيام الأولى	
جلد دوم و سوم	الباب الثالث: النشأة: شمائل و أحوال	
جلد سوم	الباب الرابع: مفردات من الحياة الخاصة	
جلد سوم و چهارم	الباب الخامس: الزوجات و الأولاد	
جلد چهارم	الباب السادس: الإمامة البيت القصید	
جلد چهارم و پنجم	الباب السابع: لإقامة الحججة	
جلد پنجم	الباب الثامن: علم... و كرم	
جلد پنجم	الباب التاسع: حدیث الكرامات	
جلد پنجم و ششم	الباب العاشر: للتمحيص أولاً	
جلد ششم	الباب الحادی عشر: تكريم و تعظیم	القسم الثاني: من عهد النبي إلى عهد علی
جلد ششم	الباب الثاني عشر: الفصول الأخيرة فی العهد النبوی	
جلد ششم و هفتم	الباب الأول: فی عهد أبي بكر	
جلد هفتم	الباب الثاني: فی عهد عمر	القسم الثالث: فی عهد أبيه و أخيه
جلد هفتم	الباب الثالث: فی عهد عثمان	
جلد هفتم و هشتم	الباب الأول: الحسين فی عهد علی	
جلد هشتم و نهم	الباب الثاني: الحسين فی إمامة الحسن المجتبی	القسم الرابع: فی كربلاء
جلد نهم	الباب الثالث: الحسين فی استشهاد أخيه	
جلد دهم	الباب الأول: الحسين بعد استشهاد أخيه	
جلد دهم	الباب الثاني: مع سياسات الحكام	
جلد یازدهم	الباب الثالث: موت معاوية و البيعة ليزيد...	
جلد یازدهم	الباب الرابع: من المدينة إلى مكة	
جلد دوازدهم	الباب الخامس: قبل سفر مسلم	
جلد دوازدهم	الباب السادس: مسلم فی العراق...	
جلد دوازدهم و سیزدهم	الباب السابع: القيام... و الإستشهاد	

جلد سیزدهم و چهاردهم	الباب الثامن: النصائح... والرحيل	القسم الخامس: الفاجعه... وما تلاها
جلد چهاردهم و پانزدهم و شانزدهم	الباب التاسع: إلى كربلاء	
جلد شانزدهم	الباب الأول: من أحداث يوم عاشوراء	
جلد شانزدهم	الباب الثاني: القتال يوم العاشر	
جلد هفدهم	الباب الثالث: الحملة الأولى و المبارزات قبلها	
جلد هفدهم	الباب الرابع: من لم تحدد ساعة استشهادهم	
جلد هفدهم و هجدهم	الباب الخامس: استشهاد بنی هاشم	
جلد هجدهم	الباب السادس: الحسين في الميدان	
جلد هجدهم و نوزدهم	الباب السابع: الإمام الشهيد	
جلد نوزدهم	الباب الثامن: ما زلنا في كربلاء	
جلد نوزدهم	الباب الأول: من كربلاء إلى الكوفة	القسم السادس: السبايا و ما بعد يوم عاشوراء
جلد بیستم	الباب الثاني: أحداث جرت في الكوفة	
جلد بیستم و بیست و یکم	الباب الثالث: إلى كربلاء من جديد	
جلد بیست و یکم	الباب الرابع: إلى الشام	
جلد بیست و یکم و بیست و دوم	الباب الخامس: ماذا جرى في الشام؟	
جلد بیست و دوم	الباب السادس: لهذا أمر الأسرى بالرحيل	

در انتهای جلد ۲۲ ملحقی با عنوان «مختارات حسینیة من مؤلفاتنا» آمده و نویسنده در آن گلچینی از موضوعات مربوط به امام حسین (ع) را از دیگر کتاب‌های خویش چون میزان الحق، مختصر مفید، الصحیح من سیره النبی الأعظم و الصحیح من سیره الإمام علی و... آورده است. جلدهای ۲۳ و ۲۴ به فهرست‌های مجلدات پیشین افزوده است.

### معیارهای ارزیابی احادیث و نصوص تاریخی

برخی از مهم‌ترین ملاک‌های نقد در سیره الحسین فی الحدیث و التاریخ به شرح زیر است:

#### معیار نخست: اعتبار سندی روایت

نویسنده ارزیابی‌های سند محور را به مثابه راهی معتبر برای ارزیابی نصوص تاریخی به کار می‌بندد. این به معنای آن نیست که او نقدهای سندی را تنها قرینه صحت صدور متن بینگارد، بلکه برعکس بارها متذکر می‌شود که ضعف سند لزوماً به معنای دروغ و مجعول بودن خبر نیست و باید مضمون و محتوای حدیث را نگریند.<sup>۲</sup> بنابراین می‌توان او را به حجیت خبر موثوق الصدور معتقد دانست. چنین است که جعفر مرتضی اخبار ضعیف السند<sup>۳</sup> و حتی روایات غلات<sup>۴</sup> را که نصوص و ادله دیگر مؤید آنهاست، به دیده اعتبار می‌نگرد.

او حتی بر آن است که اخبار بدون سند هم مکذوب و مجعول نیست و می‌توان از آنها برای موعظه و عبرت و... بهره برد.<sup>۵</sup> البته وی میان اخبار فقهی و دربردارنده حکم شرعی و اخبار غیر فقهی تفاوت می‌نهد و معتقد است از خبر بی سند فقهی، حتی اگر از عیب و شائبه و معارض هم تهی باشد، نمی‌توان به حکم شرعی اطمینان یافت. البته با

۲. همان، ج ۳، ص ۲۷، ۹۴، ۲۱۷؛ ج ۱۱، ص ۱۶۵؛ ج ۱۲، ص ۱۳۲؛ ج ۱۸، ص ۲۹۱؛ ج ۱۹، ص ۲۹۶-۲۹۷؛ ج ۲۰، ص ۲۸۳.

۳. همان، ج ۱۲، ص ۱۳۲؛ ج ۱۵، ص ۲۹۹.

۴. همان، ج ۱۵، ص ۲۹۹.

۵. همان، ج ۳، ص ۴۳.

توجه به روایات «من بلغ» با امید به مطلوبیت و به شرط عدم استناد به خدا و اهل بیت، عمل بدان شدنی است.<sup>۶</sup> کاربرد جدی ارزیابی سندی برای جعفر مرتضی در دو جایگاه رخ می‌نماید:

### ۱. تعارض اخبار

در این موارد یا بر صحت روایاتی که مضمون آنها را پذیرفته است، انگشت می‌نهد<sup>۷</sup> یا ضعف سندی روایاتی را که به کناری نهاده،<sup>۸</sup> تصریح می‌کند. گاه هم با اشارت به ضعف سندی طرفین تعارض نشان می‌دهد که راه ترجیح از این ناحیه بسته است.<sup>۹</sup>

### ۲. قرینه‌ای برای تردید در خبر در کنار مناقشه‌های متنی<sup>۱۰</sup>

گفتنی است که نقدهای سندی نویسنده بسیار مختصر و در حد اشارات کلی به ضعف یا ارسال سند یا مجهول بودن راوی است و از پژوهش‌های مفصل رجالی درباره احوال راویان یا اتصال و عدم اتصال سند خبری نیست.

### معیار دوم: اعتبار منبع و مأخذ روایت

از دیگر ملاک‌های نقد بیرونی روایت، توجه به اعتبار و عدم اعتبار منبع آن است. جعفر مرتضی به این نکته در ارزیاب‌های خود عنایت دارد و البته مانند نقد سندی آن را قرینه‌ای از قرائن وثوق یا عدم وثوق به خبر می‌شمارد. از همین روست که ضعف مصدر را در حکم به موضوع و مجعول بودن روایت بسنده نمی‌داند و حکم نهایی را به بررسی‌هایی محتوایی موکول می‌کند؛ زیرا ممکن است مصدر مذکور روایت را از مصادری برگرفته باشد که به ما نرسیده یا اطلاع از آنها برای ما میسر نشده است.<sup>۱۱</sup>

«اعتماد اکثریت عالمان بر منبع» مهم‌ترین ملاک و معیار نویسنده برای معتبر دانستن آن است.<sup>۱۲</sup> چنان که «عدم مناقشه و اعتراض عالمان بر منقولات منبع»<sup>۱۳</sup> نیز نزد وی از مرجحات است. از این رو می‌بینیم که عاملی نقل‌های منفرد در مصادر تألیف شده در دو قرن اخیر و همچنین کتاب‌های متقدم‌تری را که عالمان بر آنها اعتماد ندارند، نمی‌پذیرد. سرعدم پذیرش این منابع از سوی اندیشوران یا باور به ساختگی بودن آنهاست<sup>۱۴</sup> یا به این دلیل است که درون مایه این منابع به جای تکیه بر مصادر مکتوب مورد اعتماد، بر مکتوباتی بنیاد دارد که به نقل دقیق رویدادها پایبند نیست یا پای بر شنیده‌ها و حکایات شفاهی دارد یا بر پایه تصویرها، توقعات و انتظاراتی است که نویسندگان آنها از ماجراها در ذهن می‌پرورانده‌اند یا از باب زبان حال ارائه شده است.<sup>۱۵</sup>

عبارت‌های زیر ایستار او را به تفصیل بیشتری روشن می‌کند:

نحن ... قد التزمنا أن لا نأخذ من كتب المتأخرين ما لم نجد في كتب السابقين ولكننا نذكر بين الفينة والفينة بعضاً من هذا الكتاب ونظائره إذا لفت نظانا ما نرى فائدة في التعرض له نقصد بكتب المتأخرين الكتب التي ألفت في القرون المتأخرة عن المجلسي مثل كتاب المنتخب للطريحي ومعالي السبطين للحائري المازندراني وإكسير العبادات للدربندي وغير ذلك من المؤلفات التي لم تحظ بالقبول التام لدى كثير من العلماء ويرون أنها لم تعتمد في أحيان كثيرة

۶. همان.

۷. همان، ج ۱، صص ۱۲۴، ۱۳۹-۱۴۰، ۱۷۲، ۲۱۱.

۸. همان، ج ۱، صص ۲۴۰، ۲۷۹، ۲۵۸.

۹. همان، ج ۱۱، صص ۳۲۵، ج ۱۹، صص ۲۷۲.

۱۰. همان، ج ۱۲، صص ۱۵۹، ج ۱۹، صص ۳۰.

۱۱. همان، ج ۱۸، صص ۲۴۷.

۱۲. همان، ج ۱۸، صص ۳۱.

۱۳. همان، ج ۱۸، صص ۳۱.

۱۴. همان، ج ۱۱، صص ۳۴۰.

۱۵. همان، ج ۱۸، صص ۲۱۴.

علی المصادر المعتمدة أو علی الأقل یشک فی ذلك بل هناك مصادر كتبت قبل ذلك هي الأخری لم تحظ لدى أهل العلم لنفس الأسباب و ذلك مثل روضه الصفا و غیره... من الكتب التي لم نکترب لها: الكتاب المتداول المسمى بمقتل أبي مخنف فأن فيه من الإشکالات و السقطات ما يدعو الباحث إلى التحرز من الأخذ منه و الإعتماد علیه. إذا لم يوجد النص فی مصدر آخر یكون معتمداً و مقبولاً.<sup>۱۶</sup>

یا:

الظاهر أن الأصل فی كثير منه هو المقتل المنسوب إلى أبي مخنف أو روضه الصفا أو معالی السبطين أو إکسیر العبادات أو ما أشبه ذلك و قد قلنا إن کتاب أبي مخنف ساقط عن الإعتبار و أن هذه الكتب لم یعتمد علیها أكثر العلماء... و قد یعتب إخوة أعزاء لأننا لم نکترب من الدخ من ما ورد فی هذه الكتب مع أننا لا نتهم أشخاص مؤلفیها غیر أننا نقول: صحیح أننا لا نتهم أياً من مؤلفی تلك الكتب بسوء لكننا نقول: لعل الآفة كانت فی المروى عنه أو لعله أراد أن یصور الوقائع وفق ما یتوقعه أو لعله ذکره علی قاعدة: و لسان حاله یقول... أو علی قاعدة: کأنتی به قد فعل کذا أو قال کذا... أو لعله سمع بعض ذلك من خطیب أو رجل لم یسندہ إلى من یوثق به و ما إلى ذلك...<sup>۱۷</sup>

دست نهادن بر تفرّد روایت در مقتل ابومخنف،<sup>۱۸</sup> معالم السبطين،<sup>۱۹</sup> إکسیر العبادات در بندى<sup>۲۰</sup> یا اشاره به مجهول بودن منبع روایت<sup>۲۱</sup> نیز در همین راستاست.

#### معیار سوم: تعدّد یا تفرّد نقل

جعفر مرتضی کثرت نقل روایت از سوی راویان را از نکات مثبت و ادله اعتبار حدیث، به ویژه هنگام تعارض، به شمار می آورد،<sup>۲۲</sup> اما نمی توان تفرّد حدیث به تنهایی را از منظر او، عامل ردّ حدیث دانست. در نمونه ای دیده می شود که ابن اعثم و خوارزمی از زبان مسلم آورده اند که چون کوفیان او را در کارزار سنگ زدند، گفت شما را چه شده که مرا که از اهل بیت پیامبرم، مانند کافران سنگ می زنید. مرتضی هر چند آشکارا می نویسد که اختصاص سنگ زدن به کافران را در نصوص مختلف مصادر دیگر نیافته است، با این حال آن را ردّ نمی کند.<sup>۲۳</sup> کافی نبودن تفرّد برای ردّ نقل را می توان آشکار در بحث از حضور یا عدم حضور مادر حضرت علی اکبر در کربلا مشاهده کرد. آنجا که او در پاسخ به نبودن یا تفرّد نقل های دالّ بر حاضر بودن او در کربلا می نویسد:

إننا اذا وجدنا نصاً فی أحد المؤلفات و لم نجده فی غیره فلا یخ اعتباره مکذوباً إذ لعله مأخوذ من مصادر لم نطلع علیها أو من مؤلفات أبادهما الدهر أو أتلفها الظالمون أو الجاهلون...<sup>۲۴</sup>

اما اگر تفرّد با نقطه ضعفی دیگر گردد آید، او را به تردید در اعتبار نقل می کشانند. ردّ متفرّدات منابع متأخر که در بخش مربوط به اعتبار سنجی منابع ذکر شد، نمونه ای برای این قاعده است؛ چرا که در آنجا دیدیم جعفر مرتضی در اعتبار منابع و سرچشمه های این متفرّدات تردید دارد. می توان تفرّد نقل با وجود انگیزه ها و دواعی بر نقل درون مایه یا نام بردن از قهرمان های حاضر در آن را نیز در این شمار آورد. توضیح آنکه در بعضی از گزارش های منفرد تاریخی

۱۶. همان، ج ۲۰، ص ۱۸۳-۱۸۴.

۱۷. همان، ج ۲۱، ص ۱۲۰-۱۲۱.

۱۸. همان، ج ۲۰، ص ۱۵۶.

۱۹. همان، ج ۱۱، ص ۱۸۹؛ ج ۲۰، ص ۲۵.

۲۰. همان، ج ۱۱، ص ۳۰۷، ۳۰۰، ۳۱۱.

۲۱. همان، ج ۱۵، ص ۱۲۳؛ ج ۱۸، ص ۲۱۱، ۲۱۲.

۲۲. در معیار پنجم مستندات آن عرضه خواهد شد.

۲۳. همان، ج ۱۳، ص ۸۳.

۲۴. همان، ج ۱۷، ص ۲۲۷-۲۲۸.

به کسانی اشاره شده است که با امام در راه کوفه گفتگو کرده و ایشان را از رفتن به آنجا منع کرده‌اند یا از افرادی نام برده می‌شود که به جرم فاش کردن حقایق از سوی ابن زیاد به قتل رسیده‌اند یا از مردانی یاد می‌شود که در رکاب امام رشادت‌هایی نشان داده‌اند، حال آنکه با توجه به انتشار و شیوع اخبار و یادکرد کسانی که در ماجراهای مشابه حضور داشته‌اند، انتظار می‌رود که اینان هم در منابع و مصادر دیگر آمده باشند، در حالی که چنین نیست و این نویسندگان را به تردید در اعتبار نقل‌هایی از این دست می‌کشاند.<sup>۲۵</sup>

**معیار چهارم: انسجام یا عدم انسجام مستندات هم‌موضوع با یکدیگر**  
مقدمه به کارگیری معیار بالا گردآوری تمامی مستندات هم‌موضوع و به دیگر سخن تشکیل خانواده حدیث است. از این رو نخست از این نکته سخن می‌گوییم.

**الف) بایستگی و سودمندی گردآوری مستندات هم‌موضوع**  
مجلدات متعدد و پربزرگ سیره الحسین تجلی عملی تشکیل خانواده حدیث در موضوعات مختلف است. در عین حال جعفر مرتضی گاه به ضرورت استقرای نصوص و نگاه مجموعی بدان‌ها تصریح کرده است. برای نمونه فهم هدف امام از حرکت خویش را نگرستن به همه گفته‌های او و قرائن همراه با آنها دانسته است:

إن علی الباحث الأریب أن ینظر الی مجموع النصوص التی وردت عنه (علیه السلام) و یلاحظ ما احتفت به من قرائن و یسعی استخلاص الحقیقه منها جمیعها و سیجد بینها فی أحيان كثيرة ما یحل المشكلة و یفتح أمامه منافذ عدیده. تمکنه من فهم الأمور علی الوجه الصحیح... و هذا کلام واضح و صریح، فلا مبرر معه للاستفادات من النصوص المجزأة و المفصولة عن قرائنها.<sup>۲۶</sup>

در روند پیش‌گفته، گاه نقل‌های گردآمده به یکدیگر بسیار شبیه است و عملاً تکرار هم می‌شوند. جعفر مرتضی بر آن است که این تکرار گاه فوایدی همراه دارد و خواننده می‌تواند با وضوحی بیشتر نقل‌ها را در کنار یکدیگر ببیند. افزون بر اینکه اهداف و شیوه تاریخ‌نگاری راویان و مورخان مختلف را نیز می‌تواند به عیان ببیند:

یلاحظ القارئ الکریم ان ثمة تکرار فی النصوص کنا نود أن نتحاشی الوقوع فیہ لکننا وجدنا أن ذلک قد یضیع بعض الفوائد و العوائد علی القارئ الکریم فرضینا بارتکاب هذا القدر من التکرار لکی یبقی القارئ قادراً علی استیعاب النصوص، بصورة أكثر وضوحاً. کما أن ذلک یفید فی تلمس مرامی الرواة و المؤرخین و أهدافهم من صیغاتهم للأحداث و من طريقة عرضهم لها...<sup>۲۷</sup>

اما در مواردی بسیار در موضوعی واحد نصوصی مختلف رخ می‌نماید که چرایی پدیداری و راهکار مواجهه با آنها از دغدغه‌های جدی نویسندگان ماست.

#### ب) اختلاف مستندات، چرایی و راه‌حل‌ها

عاریلی معتقد است اختلاف مضامین در احادیث تاریخی فراوان است و اگر این را سبب ردّ روایات بدانیم، تنها می‌توان به روایاتی اندک استدلال کرد. به باور او اختلاف نه‌چندان بنیادی و جوهری نصوص به معنای دروغ و جعلی بودن اصل واقعه نیست؛ به‌ویژه اگر درون‌مایه نقل از مواردی باشد که انگیزه‌ای برای جعل در آن وجود نداشته باشد<sup>۲۸</sup> یا عالمان و نویسندگان با وجود اختلاف مشارب و گرایش‌ها بدان پرداخته باشند،<sup>۲۹</sup> می‌توان به اصل وقوع حادثه و قدر مشترک نقل‌ها گردن نهاد.<sup>۳۰</sup>

۲۵. همان، ج ۱۵، ص ۸۵؛ ج ۱۴، ص ۱۷؛ ج ۱۵، ص ۱۲۴؛ ج ۱۷، ص ۱۹۱، ۱۹۵؛ ج ۱۸، ص ۲۶.

۲۶. همان، ج ۱۴، ص ۱۱۹-۱۲۰.

۲۷. همان، ج ۱۵، ص ۲۲۶.

۲۸. همان، ج ۱۲، ص ۲۴۴-۲۴۵.

۲۹. همان، ج ۱۸، ص ۱۳.

۳۰. همان، ج ۳، ص ۲۴۶؛ ج ۱۲، ص ۲۹۳؛ ج ۱۲، ص ۲۴۴-۲۴۵ و ۲۶۱؛ ج ۱۳، ص ۶ و ۱۵-۱۵۱؛ ج ۱۴، ص ۱۷۸؛ ج ۱۴، ص ۳۱؛ ج ۱۸، ص ۲۴۰؛ ج ۱۹، ص ۱۳.

در چنین بزنه‌گاهی اگر قسمت‌های متفاوت نصوص قابل جمع بوده<sup>۳۱</sup> و به حد تکاذب نرسند،<sup>۳۲</sup> می‌توان آنها را پذیرفت و در تحلیل‌های تاریخی خویش به کار بست. جعفر مرتضی برای فراهم آوردن زمینه همنوایی نقل‌های مختلف هم از علل اختلاف نصوص پرده برمی‌دارد و هم راهکارهای جمع میان آنها را بیان می‌دارد.

از دیدگاه او بخشی از این اختلافات به راوی بازمی‌گردد؛ زیرا گاه حادثه را به صورت کامل حفظ نمی‌کند<sup>۳۳</sup> یا در اثر سوء حفظ آن را به فراموش می‌سپارند.<sup>۳۴</sup> همچنین ناقل حادثه گاه آن را به اختصار گزارش می‌کند<sup>۳۵</sup> یا تنها بخش‌هایی را که برایش مهم است ثبت می‌کند<sup>۳۶</sup> یا جریان را نقل به معنا می‌کند.<sup>۳۷</sup> زیادات توضیحی و تفاسیر راویان نیز گاه اختلاف نقل‌ها را پدید می‌آورد.<sup>۳۸</sup> گرایش وی به باز تعریف واقعه به شیوه و سبک خویش و افزودن شاخ و برگ‌هایی بدان نیز در این میان بی‌اثر نیست.<sup>۳۹</sup> همچنان که تفاوت زمانی که راوی با واقعه رویاروی شده، می‌تواند در جزئیات آن تمایزهایی ایجاد کند.<sup>۴۰</sup>

خطا و اجتهاد ناسخان در قرائت کلمات ناخوانای نسخه‌ها،<sup>۴۱</sup> وجود نقل در مصادری که عالمان به صیانت و مراقبت از آنها اهتمام نداشته‌اند<sup>۴۲</sup> و تدوین نکردن حدیث و منع از نقل آن<sup>۴۳</sup> از دیگر عوامل پدیداری این اختلاف‌ها شمرده شده است.

متعدد شمردن نقل‌ها و تکرار نقل نصوص در زمان‌های مختلف مهم‌ترین راهکارهای نویسنده برای جمع میان اختلاف نقل‌های قابل جمع است.<sup>۴۴</sup> تلطیف لحن نص در راستای خدمت به بنی‌امیه و آشکار نکردن اسائه ادب به امام و برنیانگیختن احساسات<sup>۴۵</sup> و تفاوت در زمان مواجهه راوی با حادثه<sup>۴۶</sup> از دیگر راه‌حل‌ها هستند.

اما در صورتی که در مجموعه نقل‌های هم‌موضوع و مرتبط، بعضی از نقل‌ها با دیگر گزارش‌ها انسجام نیابند و تلاش برای جمع میان آنها از طرق پیش‌گفته نیز بی‌فراجم بماند، نویسنده طرفی از تعارض را ترجیح می‌دهد که دارای تعدد و کثرت نقل باشد.<sup>۴۷</sup>

### معیار پنجم: تناسب یا مغایرت با باورهای کلامی

از بارزترین شاخصه‌های تاریخ و سیره‌پژوهی جعفر مرتضی، نگاه ایدئولوژیک به متون تاریخی است. در پس تمامی ارزیابی‌های او، راست‌کیشی معتقد ایستاده است که بر بنیادهای کلامی پذیرفته امامیه یا آنانی که از منظر او آینه

ص ۲۵ و ۱۲۸ و ۲۸۳.  
 ۳۱. همان، ج ۱، ص ۴۳-۴۴.  
 ۳۲. همان، ج ۱۴، ص ۱۹۷.  
 ۳۳. همان، ج ۱۹، ص ۲۸۳؛ ج ۱۲، ص ۲۶۱.  
 ۳۴. همان، ج ۱۹، ص ۲۳۰ و ۲۸۳؛ ج ۲۱، ص ۲۱۳-۲۱۲؛ ج ۱۴، ص ۳۱.  
 ۳۵. همان، ج ۲۱، ص ۲۱۲-۲۱۳؛ ج ۱۲، ص ۲۴۴-۲۴۵؛ ج ۱۷، ص ۶۸.  
 ۳۶. همان، ج ۱۶، ص ۱۲۵ و ۱۴۲.  
 ۳۷. همان.  
 ۳۸. همان، ج ۱۲، ص ۲۴۴-۲۴۵.  
 ۳۹. همان، ج ۱۹، ص ۲۳۰؛ ج ۳، ص ۷۸-۷۹؛ ج ۱۷، ص ۸۵-۸۶.  
 ۴۰. همان، ج ۱۲، ص ۲۴۴-۲۴۵.  
 ۴۱. همان، ج ۱۳، ص ۱۵۰-۱۵۱.  
 ۴۲. همان، ج ۱۸، ص ۱۳.  
 ۴۳. همان، ج ۱۹، ص ۲۳۰.  
 ۴۴. همان، ج ۳، ص ۱۲۵؛ ج ۱۱، ص ۲۲-۲۴ و ۴۴-۴۹؛ ج ۱۴، ص ۱۹۷؛ ج ۱۳، ص ۸۴؛ ج ۱۶، ص ۱۲۵ و ۱۴۲؛ ج ۱۴، ص ۸۱ و ۱۱۴-۱۱۵؛ ج ۲۱، ص ۲۱۳-۲۱۲.  
 ۴۵. همان، ج ۱۱، ص ۴۴-۴۹.  
 ۴۶. همان، ج ۱۲، ص ۱۸۱-۱۷۹؛ ج ۱۲، ص ۲۴۰؛ ج ۱۹، ص ۱۷.  
 ۴۷. همان، ج ۱، ص ۷۴-۷۵ و ۱۱۶-۱۱۷ و ۱۷۲-۱۷۳ و ۲۰۳-۲۰۷ و ۲۴۶-۲۵۰ و ۲۷۹ و ۲۸۶ و ۲۸۷ و ۳۰۰ و ۳۰۹؛ ج ۳، ص ۵۲-۵۳ و ۷۰-۷۵ و ۱۷۲-۱۸۱ و ۲۷۸؛ ج ۱۱، ص ۱۶ و ۲۸۷-۲۸۸؛ ج ۱۱، ص ۳۰۱ و ۳۰۷ و ۳۱۷؛ ج ۱۲، ص ۱۳۹؛ ج ۱۴، ص ۲۰۸؛ ج ۱۵، ص ۱۸۱-۱۷۷؛ ج ۱۵، ص ۲۹۶؛ ج ۱۷، ص ۹۹؛ ج ۱۸، ۸۷ و ۱۷۱ و ۲۳۷؛ ج ۱۹، ص ۲۸۲-۲۸۳؛ ج ۲۰، ص ۲۶۲.



تمام‌نمای باور شیعی است، بس غیور و دلیر است و در راستای تبیین، توجیه و دفاع از آنها ذره‌ای پا پس نمی‌کشد. در این میان طبیعی است که شأن، جایگاه و مرتبت و صفات و ویژگی‌های امام مهم‌ترین و پربسامدترین سنگ محک باشد. عصمت از دیدگاه او مرزی گسترده دارد و حتی عصمت از آلودگی‌ها و نجاسات ظاهری و طبیعی انسان را نیز در بر می‌گیرد. از همین روست که روایات دال بر طهارت اهل بیت از آلودگی‌ها ظاهری را به گسترده‌تری روایت می‌کند و در توجیه و دفاع از آنها بس مؤمنانه و گاه متکلفانه می‌کوشد.<sup>۴۸</sup> در این فضای فکری طبیعی است که او حتی اشارات و دلالت التزامی برخی روایت بر عدم عصمت را برنتابد و در آنها با گمان به مغایرت با عصمت امام تشکیک کند<sup>۴۹</sup> یا آنها را به گونه‌ای به تأویل برد که دامن عصمت ائمه را نیالاید.<sup>۵۰</sup>

به اعتقاد او امام جامع همه فضایل و مناقب چون علم و شجاعت و هیبت است. از همین روی روایات دال بر ناتوان بودن پیامبر از خواندن و نوشتن،<sup>۵۱</sup> به مکتبخانه رفتن امام حسین (ع)،<sup>۵۲</sup> لوزه افتادن بر اندام امام پس از دیدن رؤیای دال بر شهادت خود،<sup>۵۳</sup> تشجیع امام بر نبرد از سوی زهیر بن قین،<sup>۵۴</sup> مانع شدن شمر و تعداد اندکی از لشکر یانش میان امام حسین و خیمه‌ها و<sup>۵۵</sup> نسبت دادن واژه «ظن» به او<sup>۵۶</sup> را نقد می‌کند و در برابر آن نصوصی که نشان می‌دهند امام حسین (ع) بیش از هزار نفر را در عرصه کارزار از پای درآورده، دفاع می‌کند و با تبیین شجاعت و مهارت جنگی امام، کشتن چنین شماری را در بازه زمانی اندک توجیه می‌کند.<sup>۵۷</sup> در نقطه مقابل اگر روح و پیام اصلی یک روایت، بیان فضیلتی بی‌همتا برای ائمه باشد، آن را می‌پذیرد. برای نمونه در دو نقل مرسل ماجرای مسابقه دادن امام حسن و امام حسین در خطاطی گزارش شده است. جعفر مرتضی این دو حدیث را آماج نقدهای سندی و محتوایی خویش قرار می‌دهد، اما در پایان می‌گوید نمی‌توان ماجرا را از اساس ساختگی دانست؛ زیرا برخی از مردم آن را چون حادثه‌ای بی‌همتا می‌بینند و می‌کوشند بدان شاخ و برگ‌هایی بیفزایند. او این روایت‌ها را در صدد بیان فضیلتی برای ائمه می‌داند که کمتر روایتی بدان پرداخته است؛ یعنی بی‌همتایی ایشان در همه فنون و حتی فن خطاطی و این در راستای جامعیت صفات امامت در اهل بیت است.<sup>۵۸</sup>

نگاه تنزیهی او دیگر اعضای خاندان نبوی، به ویژه سرآمدان آنها را نیز در بر می‌گیرد. در همین راستاست که روایات مشیر به مکشوف بودن صورت یا سر بزرگ بانوان اهل بیت،<sup>۵۹</sup> فریفتگی ایشان به هدایای همسران یزید،<sup>۶۰</sup> خودکشی

۴۸. ج ۱، ص ۱۹۲-۱۹۷، ۲۷۲-۲۸۲.

۴۹. همان، ج ۱، ص ۳۰۰ و ۳۰۲ (خواندن دعا برای در امان ماندن امام از شیطان)؛ ج ۳، ص ۲۲۰ (ارتکاب خلاف مستحب از سوی امام)؛ ج ۳، ص ۲۰۲-۲۰۳؛ ج ۳، ص ۲۳۰-۲۳۲؛ ج ۳، ص ۲۷۴-۲۷۵؛ ج ۱۱، ص ۳۰۷؛ ج ۱۹، ص ۹۲ (دور بودن امام از زهد و دلبستگی به زینت‌های دنیا)؛ ج ۳، ص ۲۳۰-۲۳۲ (لهو و لعب امام)؛ ج ۳، ص ۲۶۴-۲۶۶ (ازدواج با زنی که امام علی او را مذمت کرده بود)؛ ج ۱۲، ص ۲۶-۲۵ (اقامت امام در مکه برخلاف سیره سلف خویش)؛ ج ۱۲، ص ۲۴۱ (برخطابودن علم امام در پیشنهاد به مسلم برای سکونت نزد هانی بن عروه)؛ ج ۱۴، ص ۱۵۶-۱۵۷ (مصادر غیر شرعی اموال کاروان یمنی توسط امام)؛ ج ۱۴، ص ۲۰۷ (بی‌مبالایی امام به جان و مال مردمان)؛ ج ۱۶، ص ۱۸۶؛ ج ۲۰، ص ۲۰ (جنگ طلبی امام)؛ ج ۲۰، ص ۳۰ (سخت و قسی خواندن قلب امام در شعر)؛ ج ۱۸، ص ۲۳۸ (اختلاف میان قول و فعل امام)؛ ج ۱۸، ص ۴۳ (مقدم کردن جناب عباس از سوی امام در نبرد برای میراث)؛ ج ۱۴، ص ۲۰۸ (اشاره به هدف خون‌خواهانه امام از قیام).

۵۰. همان، ج ۱، ص ۱۴۴-۱۵۵ (کراهت حضرت فاطمه از باردار بودن به امام حسین)؛ ج ۱، ص ۱۶۶-۱۶۷ (احتمال امتناع حضرت زهرا از ادای حقوق زناشویی)؛ ج ۱، ص ۲۳۱ (ارتکاب خلاف سنت و مستحب از سوی حضرت زهرا)؛ ج ۳، ص ۲۲-۴۷ (احتمال لهو و لعب امام)؛ ج ۳، ص ۲۲۸ (احتمال فریفته بودن امام به زیور دنیا)؛ ج ۱۹، ص ۲۸۴ (جلوگیری نکردن امام از لطمه زدن زنان بر صورت‌های خود).

۵۱. همان، ج ۳، ص ۶۷-۶۸.

۵۲. همان، ج ۱، ص ۵۲-۵۳.

۵۳. همان، ج ۱۱، ص ۱۴۰.

۵۴. همان، ج ۱۷، ص ۱۵۳-۱۵۵.

۵۵. همان، ج ۱۸، ص ۱۷۱.

۵۶. همان، ج ۱۴، ص ۳۱۳.

۵۷. همان، ج ۱۹، ص ۴۰-۴۱.

۵۸. همان، ج ۳، ص ۷۸-۷۹.

۵۹. همان، ج ۳، ص ۲۴۸-۲۴۹؛ ج ۱۱، ص ۳۰۸؛ ج ۱۸، ص ۱۸۳-۱۸۴.

۶۰. همان، ج ۲۱، ص ۲۶۶-۲۶۷.

شهربانو با فروافکندن خود در فرات،<sup>۶۱</sup> تطییر مسلم بن عقیل و جاری شدن سب و سخنان ناهموار بر زبان او،<sup>۶۲</sup> فراوانی شمار سپاهیان مسلم بن عقیل و اندک بودن لشکریان ابن زیاد برای نشان دادن بی‌تدبیری و سادگی مسلم<sup>۶۳</sup> به بوته نقد سپرده می‌شوند.

نزد نویسندگان شیعیانی که مقام اهل بیت را می‌شناسند و سرسپرده خاندان نبوت‌اند، هیچ‌گاه سخنی خلاف مقام و جایگاه امام به ایشان نمی‌زنند، حال آنکه در سخنان برخی شیعیان چون جابر بن عبدالله انصاری یا فرزاد با امام حسین خطاب‌هایی چون «اتق الله...» دیده می‌شود که با ملتزم بودن امام به تقوا در تعارض است و از این رو نویسندگان درباره آن تردید دارد و به طور جدی آن را نقد می‌کند.<sup>۶۴</sup> در نمونه‌ای جالب بنا بر نقلی میان ابن عباس و امام گفتگویی رخ می‌دهد، اما جعفر مرتضی با توجه به سبک و نوع گفتگوی ردوبدل شده میان او و امام چنین نتیجه می‌گیرد که مخاطب امام عبدالله بن عیاش بن ربیعہ مخزومی است که نام او به عبدالله بن عباس تصحیف شده است.<sup>۶۵</sup>

او همان‌سان که به اهل بیت، هم‌پیوندان و پیروان ایشان رویکردی ایجابی دارد، در برابر مخالفان ایشان رویکرد سلبی دارد و هرگونه تلطیف چهره آنها یا نسبت دادن فضایل و مناقب والا به ایشان را در نقل‌های تاریخی متذکر می‌شود.<sup>۶۶</sup>

در فرجام این بخش باید متذکر شویم که وجود جریان فعال فضیلت‌سوزی و فضیلت‌تراشی در تاریخ اسلام، به ویژه در دوران اموی، از لحاظ تاریخی می‌تواند به کارگیری معیار پیش‌گفته از سوی نویسندگان سیره الحسین را کاملاً موجه و روشمند کند و نشان دهد که او صرفاً به دلیل نگاه‌های مذهبی خود بدین ملاک دست نیازیده است.

### معیار ششم: همخوانی یا ناهمخوانی با تاریخ

مسئله‌های تاریخی از ملاک‌های نقدی است که جعفر مرتضی مکرراً از آن بهره می‌جوید. در بعضی از روایات افرادی در دل داستان‌ها جا زده و گاه بدان‌ها نقش‌هایی کلیدی داده شده است، اما بررسی‌های دقیق تاریخی نشان می‌دهد که امکان حضور آنها در موقعیت‌ها و زمان‌های ادعایی وجود ندارد.<sup>۶۷</sup> افزون بر اینها نویسندگان در مواردی دیگر نیز در نقد از ابزار تاریخ بهره می‌گیرد.<sup>۶۸</sup>

### معیار هفتم: توجه به ماهیت خرد‌گرای برخی از اخبار و مستندات تاریخی

در لابه‌لای تاریخ گاه کرامات و شگفتی‌هایی درباره ائمه گزارش شده است که شناخت دقیق حقیقت آنها و داوری دقیق درباره آنها از گستره شناختی عقل بیرون است. جعفر مرتضی در مواجهه با این گزارش‌ها رویکردی محتاطانه دارد. مستند رویکرد او در وهله نخست آن است که ائمه کسی را که به صرف عدم پذیرش عقلی مضمون حدیث، آن را رد کنند، مذمت کرده و گفته‌اند:

۶۱. همان، ج ۱۹، ص ۳۱۵.  
 ۶۲. همان، ج ۱۲، ص ۲۴۴.  
 ۶۳. همان، ج ۱۳، ص ۳۲.  
 ۶۴. همان، ج ۱۴، ص ۳۷-۴۰؛ ج ۱۴، ص ۱۲۱-۱۲۲.  
 ۶۵. همان، ج ۱۳، ص ۳۴۱-۳۳۹.  
 ۶۶. همان، ج ۱، ص ۳۰۹ (بنی‌عباس)؛ ج ۱۲، ص ۱۸۷ (نعمان بن بشیر و یزید)؛ ج ۱۲، ص ۲۱۰ (ابن زیاد)؛ ج ۱۲، ص ۳۳۰-۳۳۱ (شریح قاضی)؛ ج ۱۳، ص ۲۸-۲۹ (ابن زیاد)؛ ج ۱۴، ص ۱۵ (عمر بن عبدالرحمان و ابوبکر بن عبدالرحمن بن حارث)؛ ج ۲۱، ص ۲۶۳-۲۶۴ (یزید).  
 ۶۷. همان، ج ۱، ص ۲۴۴ و ۲۹۹ و ۳۰۳ (حضور اسماء بنت عمیس به هنگام ولادت امام حسین)؛ ج ۲۸۳-۲۸۶ (حضور ابوهریره در مدینه به هنگام ولادت امام حسین)؛ ج ۳۰۹ (شیردادن ام فضل همسر عباس بن عبدالمطلب به امام حسین در مدینه)؛ ج ۱۱، ص ۱۸-۲۰ (توصیه معاویه درباره عبدالرحمن بن ابی‌بکر)؛ ج ۱۱، ص ۱۹۸ (حضور ام هانی در هنگام خروج امام از مدینه)؛ ج ۱۳، ص ۳۳ و ۱۹۳ (حضور مختار در رکاب مسلم با پرچم سبز)؛ ج ۳، ص ۲۵۷-۲۵۸ (نماز خواندن امام پشت سر اشراق)؛ ج ۱۸، ص ۹۵-۹۷ (شهادت عمر بن علی در کربلا)؛ ج ۱۸، ص ۹۹-۱۰۰ (زنده بودن هانی بن نبیت در زمان عبدالله قسری)؛ ج ۲۱، ص ۱۴ (حضور عمر سعد در زمان پیامبر).  
 ۶۸. همان، ج ۱۱، ص ۱۲ و ۲۱؛ ج ۱۰، ص ۲۰۸-۲۰۹؛ ج ۱۲، ص ۲۱۲-۲۱۳ و ۲۱۶-۲۱۷؛ ج ۲۰، ص ۱۴۰ و ۱۷۳ و ۳۳۳.

لعل الحدیث من عندنا خرج و إلینا أسند فیکون بذلک خارجا عن ولایتنا.<sup>۶۹</sup>

روایات ردّ علم حدیث به اهل آن نیز از دیگر مستندات اوست.<sup>۷۰</sup>

دلیل دیگر او کثرت وقوع عجایب و غرایب این چینی در طول تاریخ است. به اعتقاد او ممکن است بتوان برخی از آنها را انکار کرد یا به آنها با دیده تردید نگریست، اما انکار بی ضابطه همه آنها، باب انکار بدیهی ترین و یقینی ترین کرامات اولیا و ابتلائات اشرار را می‌گشاید و این روند بدین مرحله فرجام نمی‌پذیرد، بلکه از سست شدن همه یقینیات سر برمی‌آورد. بیان او پس از گزارش سیاه شدن چهره حرمله در این زمینه گویاست:

إن أمثال هذ الأمور کثیره الحصول بالنسبه للجباریه و المجرمین و یتعذر حصرها و الإحاطه بها فلئن شککنا فی بعضها أو استغریناه و استبعدناه فإن تکذیب جمیعها أمر غیر منطقی و لا مستساغ عند أی عاقل و لو أراد أحد ذلک، فإنه یفتح باب التکذیب و الإنکار العشوائی حتی لأبده البدیهیات و أوضح الواضحات و لوفتح هذا الباب لم یتیسر لأحد الیقین بشئ من الکرامات للأخیار و الشدائد و البلایا للأشرار فی هذه الحیاه بل إن تسویغ ذلک ینتهی إلی تشکیک الإنسان بوجود نفسه و سلامه عقله... بذلک یفقد الناس المعاییر و الضوابط و الیقینیات، لیصیر الناس بعد هذا کالأنعام بل هم أضلّ سبیلا.<sup>۷۱</sup>

افزون بر اشاره به مبانی نظری مواجهه با روایات خردگریز، او می‌کوشد با مقایسه کردن درون مایه برخی از آنها با امور شگفت‌تر گزارش شده در آیات قرآن یا روایات معتبر، از استغراب و استبعاد مخاطب نسبت به آنها بکاهد.<sup>۷۲</sup> در برخی روایات نیز او با کنایه دانستن تعبیر می‌کوشد تا مفهوم و پیام اصلی نهفته در پس آن را برنماید.<sup>۷۳</sup>

#### کتابنامه

- العاملی، سیدجعفر مرتضی؛ سیره الحسین فی الحدیث و التاریخ؛ قم: مرکز النشر و الترجمة لمؤلفات العلامة المحقق السیدجعفر مرتضی العاملی، ۱۴۳۸ق، چاپ اول.
- بیهقی، ابوالفضل؛ تاریخ بیهقی؛ تصحیح: علی اکبر فیاض؛ تهران: هرمس، ۱۳۸۷ش.

۶۹. همان، ج ۱، ص ۲۷۲. این مطلب در توجیه روایات پاک بودن حضرت فاطمه از حیض و نفاس آمده است.

۷۰. همان، ج ۱۴، ص ۴۶.

۷۱. همان، ج ۱۸، ص ۵۵.

۷۲. همان، ج ۱، ص ۱۷۵-۱۷۸؛ ج ۱۹، ص ۱۵۱-۱۵۲.

۷۳. همان، ج ۱، ص ۸۲ و ۱۶۴ و ۲۵۷ و ۲۶۰-۲۵۹؛ ج ۱۸، ص ۱۴۰-۱۴۱.